

Investigation of NATO-Turkey Interaction in The Caucasus Region (Nagorno-Karabakh Crisis)

Ghasem Rezaie*

Khadijeh Sanaeianzadeh**

Abstract

Following the collapse of the Soviet Union and the withdrawal of the Caucasus from the archives of the world's strategic regions, fierce rivalries arose between regional and international actors for influence in the region. A strategy has been created between trans-regional actors such as the West and regions such as Turkey. The existence of common interests between Turkey and the West has paved the way for the interdependence of Turkey and the West. As the United States pursues its interests in the form of NATO, it decided to change its goals and approach in response to the changing international environment to play an active role in the international structure and to define a new strategic concept for itself. In this new approach, NATO seeks to manage crises and expand its influence to the east (Caucasus region). In this regard, by standing by Turkey and playing a role in the Nagorno-Karabakh crisis, it seeks to increase its influence in the Caucasus region and to support Turkey's position.

Keywords: Caucasus, Crisis, Nagorno-Karabakh, NATO, Turkey, Strategic Alliance.

* PhD in International Relations, Isfahan Azad University, Khorasgan Branch
(Corresponding Author), gh.rezaee64@gmail.com

** PhD in International Relations, University of Esfahan, kh_sanaeiyan1989@yahoo.com

Date received: 11/10/2021, Date of acceptance: 24/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی تعامل سازمان ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز (بحران قره‌باغ)

قاسم رضایی*

خدیدجه ثنائیانزاده**

چکیده

در پی فروپاشی شوروی و خارج شدن قفقاز از بایگانی مناطق استراتژیک جهان، رقابت‌های شدیدی بین بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برای نفوذ در منطقه شکل گرفت، اما کنار این رقابت‌ها روندهایی از تعامل نیز بین این بازیگران مشاهده می‌شود و فرصت مناسبی برای اتحاد استراتژیک بین بازیگران فرامنطقه‌ای چون غرب و منطقه‌ای چون ترکیه ایجاد شده است. وجود منافع مشترک بین ترکیه و غرب زمینه‌آبستگی متقابل ترکیه و غرب را فراهم کرده است. از آنجاکه آمریکا منافع خود را در قالب ناتو به منصفه ظهور می‌گذارد، تصمیم گرفت در جهت پاسخ به تغییر محیط بین‌الملل برای ایفای نقش فعال در ساختار بین‌الملل اهداف و رویکرد خود را تغییر دهد و مفهوم جدید استراتژیک برای خود تعریف کند. در این رویکرد جدید، ناتو به دنبال مدیریت بحران‌ها و گسترش نفوذ خود به شرق (منطقه قفقاز) می‌باشد. در این راستا، با قرارگرفتن خود در کنار ترکیه و ایفای نقش در بحران قره‌باغ به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه قفقاز و در حمایت از موضع‌گیری ترکیه است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اطلاعات و ابزار موجود در کتاب‌خانه و اینترنت به پاسخ‌گویی به این سؤال

* دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد، واحد خوراسگان، اصفهان (نویسنده مسئول)،
gh.rezaee64@gmail.com

** دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان،
kh_sanaeiyan1989@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹



می‌پردازد که غرب در قالب ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز و مدیریت بحران قره‌باغ چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

کلیدواژه‌ها: قفقاز، بحران، قره‌باغ، ناتو، ترکیه، اتحاد استراتژیک.

۱. مقدمه

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، رقیب ایدئولوژیک غرب دیگر تهدیدی برای آن محسوب نمی‌شد و از آن‌جا که آمریکا اهداف خود را در قالب ناتو به عرصه ظهور می‌گذاشت، تصمیم گرفت در جهت پاسخ به این تغییر محیط بین‌الملل برای ایفای نقش فعال در ساختار بین‌الملل، اهداف و رویکرد جدیدی را برای خود تعریف کند. بر این اساس، تحلیل‌گران سیاسی و نظامی غرب تعریف و اتخاذ مفهوم جدید استراتژیک ناتو را رویکردی نوین یا فلسفه جدید وجودی ناتو پس از فروپاشی شوروی و ازدست‌دادن یک دشمن شناخته‌شده بیان می‌کنند که در این استراتژی جدید امنیتی ناتو مفاهیمی چون همکاری، گفت‌وگو، گسترش حوزه نفوذ به شرق، و کنترل تسلیحات کشتار جمعی موردبررسی قرار گرفته است (فلاحی ۱۳۸۵: ۴۷۸-۴۷۹). سازمان ناتو به منظور به‌اجرا گذاشتن طرح توسعه حوزه امنیتی خود به دو شیوه روی آورد:

الف. با ایجاد نهاد جدید بین‌المللی موسوم به شورای همکاری آتلانتیک شمالی در سال ۱۹۹۱ تصمیم گرفت که ارتباط منطقی را بین اعضای سابق ورشو و سازمان ناتو برقرار کند و در مارس ۱۹۹۱ تمامی جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی به عضویت این شورا درآمدند (امیری ۱۳۸۳: ۲۷).

ب. ارائه طرح مشارکتی برای صلح در منطقه که در این میان طرح مشارکت برای صلح در منطقه قفقاز جنوبی مهم‌ترین مکانیزم تقویت نفوذ ناتو به حساب می‌آید. در این خصوص، سازمان به اعطای تجهیزات و کسب اطلاعات، هدایت ساختار ارتش‌های این جمهوری‌ها به سمت ارتش ناتو، و ارائه کمک‌های آموزشی پرداخته است (افشردی ۱۳۸۱: ۲۲۳).

ناتو از احیای مجدد اقتدار شوروی می‌ترسید و در پی پرکردن خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی در قفقاز و مدیریت بحران‌های کشورهای منطقه است. هم‌چنین، تلاش می‌کند که رقبای خود (روسیه، ایران، و ...) را در رسیدن به منابع انرژی و اقتصادی منطقه ناکام بگذارد (کاظمی ۱۳۸۴: ۳۶۲). بر این اساس، ناتو برای رسیدن به این هدف خود به

یک متحد استراتژیک و شریک قابل اعتماد نیاز دارد. شرایط و موقعیت ترکیه، که در نقطه اتصال آسیا به اروپا، اسلام و مسیحیت، شرق و غرب، و در نزدیکی سه منطقه مهم و استراتژیک خاورمیانه، قفقاز، و آسیای مرکزی قرار دارد، و قرابت فرهنگی - نژادی ترکیه با کشورهای منطقه قفقاز را باید به امتیازات ترکیه اضافه کرد (عطایی ۱۳۷۸: ۱۰). این کشور می تواند به عنوان یک قدرت منطقه ای، توازن قدرت منطقه را به نفع غرب حفظ کند. با پایان یافتن جنگ سرد بسیاری از هویت های قومی - محلی در منطقه قفقاز رشد کردند و باعث شکل گیری منازعات در این منطقه شدند. در این میان، بزرگ ترین منازعه بحران ناگورنو - قره باغ بود که هرچند با آتش بس میان آذربایجان و ارمنستان کنترل شد، امکان منازعه میان این دو کشور همچنان وجود دارد و هر دو کشور خود را برای جنگ آماده نگه داشته اند. ایالت قره باغ در شانزدهم تیرماه ۱۳۰۲ به صورت امروزی شکل گرفت. طبق سرشماری سال ۱۹۸۸، ۷۶/۹ درصد جمعیت این ایالت ارمنی و ۲۱/۵ درصد آن مسلمانان آذری بودند و بقیه نیز از قومیت ها و ملیت های دیگر هستند. مساحت این سرزمین نیز ۴۴۰۰ کیلومتر مربع است که حدود ۵/۱ درصد از مساحت جمهوری آذربایجان را تشکیل می دهد (واعظی ۱۳۸۶: ۱۳۳). در آغاز سال ۱۹۸۸، این مناقشه بین آذربایجان و ارمنستان رخ داد که بیش از بیست هزار نفر قربانی شدند و نزدیک یک میلیون نفر بی خانمان و یک و نیم میلیون نفر مهاجرت کردند که این سیل مهاجرت ها به ایجاد شرایطی بحرانی در آذربایجان منجر شد. بیش از چهارده درصد منطقه آذربایجان در این خلال اشغال شد. بعدها، ابعاد این مناقشه به یکی از طولانی ترین، خشونت آمیزترین، و پیچیده ترین مناقشه های قومی و نژادی بعد از فضای کمونیستی تبدیل گردید (Axundo 2008: 51).

ناگورنو منطقه ای کوهستانی و آرامه نشین در غرب جمهوری آذربایجان و در نزدیکی مرزهای ارمنستان است. این منطقه توسط ارمنی های محلی کنترل می شود و از زمان استقلال دو کشور آذربایجان و ارمنستان منبع اختلافات بین این دو کشور بوده است (تویسرکانی ۱۳۸۹: ۲).

ریشه این اختلافات به درگیری آرامنه و آذری ها در سال ۱۹۰۵ برمی گردد، زمانی که روسیه تزاری در جهت سیاست گسترش به جنوب و اهمیتی که منطقه قفقاز از هر نظر برایش داشت برمی گردد به شوروی که در پی استقرار ثبات مورد نظر خود در منطقه بود و با استفاده از خلأ قدرت ناشی از شکست عثمانی به سیاست اسکان آرامنه مهاجر اقدام کرد.

این مهاجرت‌ها با تمایلی که آرامنه به ایجاد دولت-ملت فراگیر از قرن‌ها پیش تاکنون از خود بروز می‌دادند میسر شد و در سال‌های پایانی حکومت تزارها مخصوصاً در سال ۱۹۱۵ پس از مهاجرت صدها هزار ارمنی به صورت یک واقعت درآمد و درگیری بین آنان و آذری‌ها به تدریج نمودار شد (امیراحمدیان ۱۳۷۸: ۳).

این دشمنی از ۱۹۸۹، که جمهوری آذربایجان اعلام استقلال نمود، شعله‌ورتر شد و از اوایل سال ۱۹۹۲، جنگ قره‌باغ آغاز و یک منطقه بحرانی در جنوب منطقه قفقاز ایجاد شد و هنگامی که این بحران به اوج خود رسید، زمینه ورود بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این بحران برای مدیریت آن مهیا شد، چراکه شرایط ژئوپلیتیک و ذخایر نفت آذربایجان انگیزه مناسبی برای ورود بازیگران به این بحران بین‌المللی گردید و اکنون روسیه در پی آن است که نفوذ سابق خود را در منطقه قفقاز جنوبی احیا کند. نقش ترکیه نیز به دنبال تحکیم و تثبیت نفوذ خود در کشورهای منطقه قفقاز جنوبی از عوامل تعیین‌کننده در ترتیبات بین‌المللی منطقه است که به شدت در رقابت با روسیه و سایر بازیگران منطقه قرار گرفته است و غرب در قالب ناتو به دنبال مقابله با دشمن دیرینه خود (روسیه) و کاهش نفوذ آن در منطقه بر مبنای استراتژی جدید امنیتی خود مفاهیمی چون همکاری، گفت‌وگو، گسترش حوزه نفوذ به شرق، و کنترل تسلیحات کشتار جمعی با هم‌جهت‌شدن با موضع ترکیه را برای پیش‌بردن هدفش در منطقه دنبال می‌کند (عباس‌اف و چاخاطریان ۱۳۸۳: ۲۶). اهمیت پرداختن به این بحث به دلیل این است که منطقه قفقاز بعد از فروپاشی شوروی یکی از مهم‌ترین مناطقی بود که توجه کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده است. موقعیت ژئوکالچر، ژئواستراتژیک، و ژئوپلیتیک قفقاز باعث توجه زیاد کشورهای به این منطقه شده است؛ بنابراین، شناخت بحران قره‌باغ و برآورد تأثیرگذاری کشورهای دیگر بر این بحران اهمیت بسیار زیادی دارد.

این درحالی است که وضعیت «نه جنگ و نه صلح» بین آذربایجان و ارمنستان همواره ترس عملیات نظامی به صورت غافل‌گیرانه منازعات را زنده نگه داشته است. بنابراین، برای کشورهای هم‌مرز شناخت بحران مهم است.

این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اطلاعات و ابزار موجود در کتاب‌خانه و اینترنت به پاسخ‌گویی به این سؤال می‌پردازد که غرب در قالب ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز و مدیریت بحران قره‌باغ چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

۲. پیشینه تحقیق

- خیری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «روسیه و مناقشه قره‌باغ» بیان می‌کند که در چهارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیک موجود میان روسیه و غرب، کرملین مناطق خارج نزدیک را در حوزه منافع استراتژیک و حیاتی خود تعریف نموده و از مناقشات سرزمینی حل‌نشده موجود در این مناطق نظیر بحران قره‌باغ به‌عنوان ابزاری برای تثبیت نفوذ خود در جمهوری‌های جداشده از اتحاد جماهیر شوروی بهره برده است. در این بین، مناقشه قره‌باغ به‌عنوان جدی‌ترین مشکل امنیتی قفقاز جنوبی بیش از دو دهه است که تداوم داشته است و مطالعه پویش‌های منطقه‌ای بر شکنندگی وضعیت نه صلح نه جنگ حاکم و احتمال تشدید دوباره مناقشه اشاره دارد؛ مناقشه‌ای که ظرفیت تبدیل شدن به جنگی تمام‌عیار میان طرف‌های درگیر را دارد. باتوجه به مطالب مذکور، نوشتار حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که تشدید مناقشه قره‌باغ چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای کرملین می‌تواند در پی داشته باشد؟ ایجاد ناامنی در مسیرهای صادراتی انرژی از دریای خزر به سوی بازارهای غربی و استقرار نیروهای روسیه در منطقه قره‌باغ و در چهارچوب نیروهای حافظ صلح را می‌توان مهم‌ترین فرصت پیش‌روی کرملین دانست. در مقابل، احتمال درگیر شدن با ترکیه به‌عنوان متحد جمهوری آذربایجان و تقویت نفوذ غرب در قفقاز در سایه تشدید بحران چالش‌های احتمالی متوجه روسیه خواهد بود.

- زهرانی و فرجی لوحه‌سرا (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «منابع بین‌المللی تداوم بحران قره‌باغ» به بررسی عوامل و متغیرهای متعدد در سطوح داخلی و بین‌المللی در شکل‌گیری بحران قره‌باغ میان دو کشور آذربایجان و ارمنستان می‌پردازد و بیان می‌کند که یکی از عوامل تعیین‌کننده در این موضوع مداخلات و فشارهای ناشی از منابع بین‌المللی بوده که عوامل و متغیرهای فراسرزمینی و خارجی را شامل می‌شود، به‌گونه‌ای که بدون شناخت این منابع بین‌المللی درک و فهم ماهیت اصلی بحران قره‌باغ دشوار خواهد بود. هم‌چنین، بیان می‌کند که منابع بین‌المللی دخیل در بحران قره‌باغ را می‌توان به دو دسته عوامل اصلی و تعیین‌کننده و عوامل مهم و تأثیرگذار تقسیم‌بندی کرد، به‌گونه‌ای که رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و مسائل سیاسی-امنیتی از عوامل اصلی و تعیین‌کننده بوده و پیوستگی اقتصاد انرژی جهانی، سازمان‌های بین‌المللی، و جهانی شدن نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار در این بحران بوده‌اند.

- غفاری و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «مناقشه قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی ریشه‌های تاریخی مناقشه قره‌باغ و همچنین تأثیر این مناقشه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و معتقد است که ریشه‌یابی این موضوع از آن جهت مهم و حائز اهمیت است که جمهوری اسلامی ایران با دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان هم‌مرز است و به‌علت وجود جمعیت عظیم آذری‌زبان و اقلیت ارمنی در داخل ایران، این مناقشه می‌تواند پی‌آمدهای متعارضی را برای جمهوری اسلامی ایران هم‌راه داشته باشد. در این مقاله، بیان می‌شود که امنیت ایران به‌طور مستقیم تحت تأثیر این مناقشه است و موضع ایران نیز حل و فصل مناقشه از طریق دیپلماسی و مذاکرات مستقیم بین طرفین درگیری بوده است.

نگارنده در پی آن است که ابتدا به تعریفی از مفهوم بحران و سپس به بیان نقش ناتو در بحران قره‌باغ به‌عنوان مهم‌ترین قدرت فرامنطقه‌ای بپردازد و در آخر، اهداف ترکیه و عوامل حضور آن در منطقه قفقاز و بحران قره‌باغ را بیان کند. همچنین، در جهت پاسخ‌گویی به سؤال اصلی از مدل تصمیم‌گیری به‌عنوان ابزار تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود. بنابر آنچه در بالا ذکر شد، نویسنده در پی ارائه چهارچوب نظری خود به بخش‌های موردنظر خود می‌پردازد. نوآوری مقاله این است که تلاش می‌کند با استفاده از مدل تصمیم‌گیری نقش ترکیه و ناتو را به‌عنوان متحد استراتژیک و هم‌جهت ترکیه در بحران قره‌باغ بررسی کند.

۳. چهارچوب نظری

۱.۳ الگوی سیاست خارجی (رویکرد تصمیم‌گیری)

۱.۱.۳ تعریف تصمیم‌گیری

تعاریف متعددی برای تصمیم‌گیری ارائه شده است. کارل اندرسون تصمیم‌گیری را این‌گونه تعریف می‌کند:

ساده‌ترین تعریف تصمیم‌گیری عبارت است از انتخاب یک راه‌کار از میان چند راه‌کار احتمالی که وجود دارد و اتخاذ یک راه‌کار به‌معنای پایان روند تصمیم‌گیری نیست، بلکه هر تصمیمی با ظهور مسئله و مشکل فرایند خود را آغاز می‌کند و معمولاً

تصمیمی که گرفته می‌شود نمایش‌گر تفاوت بین وضع موجود و رسیدن به وضع دلخواه در آینده است (Anderson 1988: 130).

در این راستا، تئوری تصمیم‌گیری برای یافتن و به‌کارگیری راه‌حلی که در هر زمان و مکان بهترین باشد و براساس مطلوب ذهنی موردانتظار به انتخاب عقلایی برای رفع مشکل دست می‌زند. امروزه، تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین مباحث در عرصه تئوری‌پردازی و مفهوم‌سازی در سیاست خارجی است. اگرچه ریشه‌های اصلی تئوری تصمیم‌گیری در اقتصاد و علم مدیریت بسط و گسترش یافته‌اند، دامنه این تئوری‌ها به مهم‌ترین عرصه تصمیم‌گیری سیاسی یعنی سیاست خارجی نیز کشیده شده است. به‌منظور فهم بهتر تئوری تصمیم‌گیری بهتر است ابتدا با تعریف مفاهیم تصمیم و تصمیم‌گیری آشنا شویم. تصمیمات برون‌دادهای ساختار سیاسی هستند که از طریق آن‌ها، در داخل یک جامعه، ارزش‌ها به‌نحو اقتدارآمیزی توزیع می‌شوند. تصمیم‌گیری عمل‌گزینش میان راه‌حل‌های جای‌گزین یا بدیل‌های موجودی است که درموردشان یقین و قطعیت نداریم (دوئرتی ۱۳۸۸: ۷۱۹).

۲.۱.۳ تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (ره‌یافت تصمیم‌گیری)

ارزیابی رفتار دولت‌ها برپایه تصمیماتی است که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. بنابراین، روش تصمیم‌گیری یکی از چهارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین‌الملل موردتوجه قرار می‌گیرد (قوام ۱۳۷۰: ۳۹). پس، می‌توان گفت که تحلیل‌گران سیاسی با دو رویکرد سیستمی و رویکرد تصمیم‌گیری به بررسی مسائل می‌پردازند. رویکرد سیاست خارجی (الگوی تصمیم‌گیری) بر عملکرد سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاسی در جریان بحران تأکید می‌کند و بحران در این الگو مرحله‌ای از اختلاف است که هالستی نشانه‌های بحران را از دیدگاه تصمیم‌گیران ۱. احساس عظیم‌بودن تهدید، ۲. محدودیت زمان پاسخ‌گویی، ۳. غافل‌گیری، و ۴. احساس ایجاد عواقب مصیبت‌بار به‌خاطر اقدام‌نکردن بیان می‌کند (هالستی ۱۳۷۳: ۶۱۴).

در این مدل، بر جنبه انسانی و روان‌شناختی در فرایند سیاست‌گذاری خارجی تأکید می‌شود و نقش فرد در تصمیم‌گیری موردتوجه متخصصان قرار می‌گیرد. قوام معتقد است تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (ره‌یافت تصمیم‌گیری) ارزیابی رفتار دولت‌ها برپایه تصمیماتی است که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند (قوام ۱۳۸۶: ۱۲۸). در این راستا، برچر نیز بیان می‌کند که در الگوی سیاست خارجی بر حالت ادراکی

تصمیم‌گیرندگان در عالی‌ترین سطح مبنی بر وجود فشار یا فشارهایی که منشأ خارجی دارند تأکید می‌کند (برچر و ویلکنفلد ۱۳۸۲: ۵۲).

از آن‌جاکه وضعیت بحرانی به تناسب شدت تهدید، تداوم زمان، و درجه آگاهی باهم متفاوت هستند، هریک از سه عامل تعیین‌کننده بحران (تهدید، زمان، غافل‌گیری) ممکن است در حد غایی شدت و اهمیت و یا در پایین‌ترین حد قرار گیرند و به دسته‌بندی بحران‌ها اقدام شود (کاظمی ۱۳۶۶: ۲۴). در این‌جا، نویسندگان ضمن ارائه تعریفی از بحران به نقش روسیه و ناتو در بحران قره‌باغ مبنی بر این تئوری به تفصیل می‌پردازد.

۴. مفهوم بحران

یکی از مباحثی که ریشه در روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک دارد و به‌ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه واقع شده است مبحثی است که اصطلاحاً با عنوان بحران و مدیریت آن بیان می‌شود. تمامی محققان بر سر این‌که مدیریت بحران با کنترل دقیق مسائل سیاسی توسط نخبگان سطوح بالاتر ارتباط دارد اختلاف نظر دارند، اما به نقش این نخبگان به‌عنوان عامل اصلی در کنترل بحران‌ها توجه می‌شود. واژه بحران نه فقط در قلمرو سیاست، بلکه در علوم انسانی و اجتماعی و حتی علوم طبیعی و پایه نیز به‌فراوانی به‌کار می‌رود. هر روز کاربرد آن را با عناوینی چون آلودگی هوا، بحران اعتصاب کارگران، بحران سوخت و انرژی، بحران مالی، بحران مواد غذایی، و ... می‌بینیم و بحران در این موارد مفهومی خاص است که بر مصداق‌های عمومی اطلاق می‌شود و در این کاربردها، بحران به معنای متفاوتی مانند تهدید، مناقشه اختلاف، کمبود، و ... به‌کار می‌رود.

در علوم سیاسی، بحران یکی از پر استعمال‌ترین الفاظ است و وقتی این واژه توسط دولت‌مردان به‌کار می‌رود، بیش‌تر نشان از مشکلات موجود در روند تصمیم‌گیری آن‌ها و فشارهای ناشی از آن بر دولت‌مردان است. اما در متون و نظریات روابط بین‌الملل نیز بحران هم در سطح خرد (روابط بین کشورها) و هم در سطح کلان (بحران‌های نظام بین‌الملل و کل جامعه جهانی را درگیر می‌سازد) کاربرد دارد و مفاهیمی چون تهدید، جنگ، فروپاشی، سقوط، و ... را در بر می‌گیرد (همان: ۱۳).

بنابراین، گستردگی و تنوع زیاد بحران باعث می‌شود که نتوان تعریف کامل و همه‌جانبه از بحران ارائه داد و از آن‌جاکه بحران یک مفهوم تعریفی و بازتعریفی است نه شناختی، پس

نسبی است و نمی‌توان تعریف کلی و مطلق از آن ارائه داد. برچر برای تحلیل بحران به نقش بازیگران و تأثیرپذیری بحران از ساختار نظام و یا مداخله نیروهای دیگر در بحران می‌پردازد (برچر و ویلکنفلد ۱۳۸۲: ۵۲). اتخاذ واژه بحران در این‌جا برای ناگورنو- قره‌باغ نشان از نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و شیوه مدیریت آن‌ها با استفاده از مدل تصمیم‌گیری دارد که در بحث مدیریت بحران با بروز حادثه و اتفاقات تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی با سه معیار زمان، غافل‌گیری، و تهدید روبه‌رو هستند و با وجود جو متفاوت با استفاده از ابزار و تاکتیک‌های مناسب در جهت به‌دست آوردن نتایج منطقی تصمیم بگیرند.

۵. منطقه قفقاز

منطقه قفقاز منطقه کوهستانی در جنوب روسیه و در شمال ایران است که از غرب به دریای سیاه، از جنوب غربی به ترکیه، و از شرق به دریای مازندران محدود می‌شود. این منطقه شامل سه کشور آذربایجان، ارمنستان، و گرجستان است. از آن‌جا که مطالعه سیاست خارجی برای پیوند اثر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها بر روابط یک‌دیگر کمک می‌کند، ما این‌جا به سیاست خارجی ترکیه و ناتو در قالب همکاری مشترک در منطقه قفقاز و بحران قره‌باغ می‌پردازیم و قبل از پرداختن به نقش ترکیه و ناتو در بحران قره‌باغ به بیان زمینه‌های بروز بحران قره‌باغ می‌پردازیم.

۶. عوامل شکل‌گیری بحران قره‌باغ

مناقشه قره‌باغ یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قومی در شوروی محسوب می‌شود که از پیچیدگی درونی وسیعی برخوردار است و از جمله بحران‌هایی است که تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیک، فرهنگ، مذهب، تاریخ، و بحران قرار داشت. عوامل ژئوپلیتیکی عبارت‌اند از: وجود مرزهای محذب، موقعیت جغرافیایی، وجود منطقه قومی- نژادی، شبکه آب‌ها، فقدان مشروعیت، و مخدوش بودن مرزها و عوامل فرهنگی، تاریخی، و سیاسی هم عبارت‌اند از: ذهنیت منفی تاریخی ارمنه، رویکرد منطقه‌ای متضاد آذری‌ها و ارمنه، اعمال سیاست تبعیض علیه یک‌دیگر، سیاست ملیت‌های شوروی در قبال قومیت‌ها، و رقابت قدرت‌های مداخله‌گر که نمونه‌هایی از موارد بالا را در زیر به تشریح بیان می‌کنیم.

۱.۶ مرزهای محدب

مرزهای کشورهای آذربایجان به سمت جمهوری ارمنستان دارای یک پیشرفتگی و انحناست که در مقیاس کلی ننگه‌داری از چنین مرزهایی نسبت به مرزهای صاف و بدون پیشرفتگی یا تورفتگی کم‌تر است. بنابراین، این تحدب مرز آذربایجان باعث ایجاد یک ضعف استراتژیک در حفاظت از مرزهایش شده است. مرزهای دو کشور در این منطقه از بدترین نوع مرزهای سیاسی بین کشورهاست که عمدتاً کوهستانی و دارای بریدگی فراوان، محدب، و فرورفتگی بسیار است. این عامل ثابت ژئوپلیتیکی سبب درگیری طولانی بین این دو جمهوری است (بیات ۱۳۷۱: ۱۲۵) و این مسئله همواره نگرانی برای تصمیم‌گیران سیاسی آذربایجان داشته است.

۲.۶ وجود منطقه قومی - نژادی

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که قرن ۲۱ همانند قرن گذشته عرصه تعارضات و تنازعات قومی خواهد بود و احتمالاً در آینده بحران‌های قومی و هویتی گسترش خواهند یافت و نظام بین‌الملل با منازعات و تحولات سیاسی - امنیتی بیش‌تری روبه‌رو خواهد شد که منطقه قفقاز با دارا بودن حدود پنجاه گروه قومی - فرقه‌ای با تمایزهای فراوان و مذاهب مختلف پتانسیل بسیار زیادی برای بروز مناقشات و بحران‌های قومی را دارد (واعظی ۱۳۸۲: ۱۵).

۳.۶ شبکه آب‌ها

از جمله عوامل طبیعی دیگر شبکه آب‌هاست که در طی تاریخ دارای نقش‌های گوناگون بوده است. تا قبل از جنگ جهانی دوم شبکه آب‌ها دارای نقش بازدارنده بودند، اما بر اثر پیشرفت تکنولوژی امروزه رودخانه‌ها نقش بسیار متفاوت و بسیار مهم‌تری ایفا می‌کنند و اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی پیدا کرده‌اند. غالباً در همه عریضه‌هایی که آرامنه برای حکومت مرکزی ارسال می‌کردند از این‌که قره‌باغی‌ها خود از شبکه آب‌های قره‌باغ منتفع نمی‌شوند شکایت داشتند. هم‌چنین، رودخانه‌هایی که در آذربایجان وجود دارند از کوه‌های قره‌باغ می‌گذرند و باعث می‌شوند که به‌دست‌گرفتن کنترل اوضاع قره‌باغ مهم و دارای اهمیت شود

(کرمی ۱۳۷۴: ۴۷۶) که در این مقاله به ذکر همین چند مورد بسنده می‌شود، چراکه بیان سایر موارد خود نیاز به مقاله‌ای دیگر دارد.

از آن‌جاکه در منطقه قفقاز به‌ویژه در بحران قره‌باغ بازیگران متعدد و متنوعی به ایفای نقش می‌پردازند، علاوه بر سه کشور آذربایجان، ارمنستان، و گرجستان سه بازیگر منطقه‌ای یعنی ایران، روسیه، و ترکیه و بازیگران فرامنطقه‌ای و غرب (در قالب ناتو) و تعدادی بازیگران بین‌المللی چون سازمان ملل متحد حضور فعال دارند. دلیل حضور بازیگران بین‌المللی وجود بحران‌های قومی- نژادی فراوان در منطقه به‌خصوص بحران قره‌باغ است که در این قسمت، ابتدا به نقش غرب و ناتو به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر بیرونی فرامنطقه‌ای این منازعه پرداخته می‌شود. سپس، نقش و موضع‌گیری ترکیه در منازعه قره‌باغ بیان می‌شود و چگونگی حضور آن‌ها در منطقه و مدیریت بحران را بیان می‌کنیم (مرادی ۱۳۸۵: ۵۸).

۷. پیمان آتلانتیک شمالی

این پیمان براساس تئوری‌های کلاسیک روابط بین‌الملل، اتحادها، و ائتلاف‌های نظامی با هدف ایجاد توازن، بازدارندگی، و یا حمله به یک بازیگر ثالث تشکیل شده است. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو براساس چنین اصلی تشکیل شده است (اطباری ۱۳۸۴: ۳۳). این سازمان بعد از جنگ جهانی دوم بنا به ضرورت زمانی و مکانی به‌وجود آمد. از جمله اهداف این سازمان جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه به حوزه منافع خود بود. در این راستا، ناتو به دنبال تأمین حضور نظامی غرب در تمام جهان است و به گسترش تمدن و نفوذ غرب در جهان می‌پردازد. رهبران ناتو با طراحی و اجرای برنامه مشارکت برای صلح سعی می‌کنند بر دغدغه‌های امنیتی کشورهای منطقه قفقاز پاسخ دهند و در مدیریت بحران‌های آن‌ها دخالت کنند (شفیعی ۱۳۸۶: ۱۳۱) و به عرض اندام بپردازند و منافع استراتژیک خود را در منطقه تأمین کنند. هم‌چنین، مسئله تروریسم و تکثیر کشتار جمعی بعد از حادثه یازدهم سپتامبر از جمله اهداف دیگر ناتو برای از بین بردن آن‌هاست که بعد از حادثه یازدهم سپتامبر این دو موضوع در دستورکار جدی این سازمان قرار گرفته است و در جهت مدیریت بحران و از بین بردن منازعه‌ها به‌منظور عمل به طرح صلح وارد منطقه قفقاز می‌شود و بعد از فروپاشی شوروی برای مدیریت بحران‌های منطقه بر گسترش فرهنگ دموکراسی تأکید می‌کند (زارعی ۱۳۸۵: ۲۸۴). ناتو نه تنها خود را یک بلوک نظامی،

بلکه مروج فرهنگی یک مکتب فکری- فلسفی به نام غرب می‌داند و در پی گسترش ارزش‌های دموکراتیک با تفسیر غربی است.

۸. ناتو در منطقه قفقاز و بحران قره‌باغ

اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی و برچیده شدن نظام دوقطبی و به دنبال آن خارج شدن قفقاز از بایگانی مناطق استراتژیک جهان تغییرات فضایی و امنیتی جدیدی با ظهور کشورهای جدیدالتأسیس ازیک سو و تلاش برای پرکردن خلأ ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای از دیگر سو منطقه را با چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای روبه‌رو کرده است (هاشمی ۱۳۸۴: ۱۰۷) که تعارضات قومی- نژادی از جمله مهم‌ترین این مسائل در قفقاز است. قفقاز به دلیل دارا بودن اقوام و مذاهب مختلف زمینه مناسبی برای درگیری دارد. این تداخل و تعارضات قومیتی از زمان روسیه تزاری ایجاد شد و این منطقه مدام در تعارض به سر می‌برد که از جمله عینی‌ترین این تعارضات درگیری قومی و مناقشه قره‌باغ و آبخازیاست و ناتو در رقابت خود با روسیه اهمیت منطقه قفقاز را در نظریه‌های سیاست خارجی دو طرف نشان می‌دهد.

ناتو برای مقابله با روسیه و کاهش نفوذ آن در منطقه و برای پرکردن خلأ قدرت به وجود آمده در منطقه طرح توسعه خود را بیان می‌کند که هدف خود را گسترش نفوذ در قفقاز جنوبی بیان و برنامه مشارکت برای صلح را پی‌گیری می‌کند. این برنامه مشارکت برای صلح ابزار اصلی ناتو برای تعمیق همکاری نظامی خود با دولت‌های قفقاز جنوبی است که به آموزش نظامی و روند حرفه‌ای ارتش دولت‌های قفقاز کمک می‌کرد (رحمانی ۱۳۷۷: ۴). در وضعیت حاضر، مهم‌ترین ویژگی این منطقه حائل بودن آن است. دولت‌های قفقاز از این‌که منطقه حائل باشند، بیش‌تر منتفع می‌شوند، چراکه هریک از کشورهای هم‌مرز با قفقاز به نحوی آن را جزو خود می‌دانند. ترکیه آن را حلقه اتصال به دنیای ترک می‌داند و غرب از دهه ۱۹۹۰ به بعد این منطقه را جزو مناطق استراتژیک خود قرار داده است (فرنر ۱۳۷۹: ۳۳).

۹. منافع غرب و ناتو در قفقاز

از جمله اهداف اقتصادی ناتو در منطقه قفقاز شکل‌گیری بازار آزاد در منطقه است تا بازار مصرفی برای غرب بگشاید و این موجب وابستگی فنی و تکنولوژیک در منطقه به نفع

بررسی تعامل سازمان ناتو و ترکیه ... (قاسم رضایی و خدیجه ثنائیانزاده) ۶۳

غرب می‌شود و موجبات مداخله و نفوذ غرب را در منطقه بیش‌تر می‌کند و نمونه آن را می‌توان در استخراج مواد خام و تولید محصولات کشاورزی در منطقه قفقاز مشاهده کرد (ازغندی ۱۳۸۴: ۸۱). از طرف دیگر، قفقاز علاوه بر دارا بودن انرژی به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی انرژی مطرح است و غرب از این مسیر ترانزیتی برای انتقال انرژی و تسلط بر نفت و گاز به‌سود خود بهره می‌گیرد (عسکری ۱۳۸۴: ۱۴). هم‌چنین، از نظر فرهنگ نیز ترویج فرهنگ غرب را داریم که غرب بر گسترش اندیشه دموکراسی خود تأکید می‌کند و در جوامع در حال گذار قفقاز بر مدرنیزاسیون فرهنگی تأکید می‌کند و هر قدرتی که بتواند بهتر از دیگران افکار را کنترل و هدایت کند می‌تواند با قبولاندن جهان‌بینی خود، رهبری فرهنگی و هدایت رفتارها را به‌دست آورد و با تحکیم سلطه هژمونیک، رفتار خارجی خود را حقانیت بخشد. کسب حقانیت در رهبری هژمونیک آن‌چنان مهم است که کارآیی زور و قدرت اقتصادی را تحت شعاع قرار می‌دهد (سیف‌زاده ۱۳۸۸: ۲۰).

۱۰. ترکیه در منطقه قفقاز

اصلی‌ترین ابعاد سیاست خارجی ترکیه آمیزه شده است که در پیوند با منافع غرب در قالب ناتو از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد (چوبین و دیگران ۱۳۸۱: ۱۰۵). ترکیه در این منطقه در قالب اندیشه‌های پان‌ترک‌گرایانه و با برانگیختن مردم می‌خواهد بر ژئواستراتژی چیره شود و آن را خشتی کند. هدف ترکیه رفتن به سمت شرق و گشودن درهای ژئوپلیتیک خود به سمت منطقه قفقاز در قالب تشکیل بلوک فرهنگی ترکی است (افشردی ۱۳۸۱: ۲۶۹). هم‌چنین، ترکیه در این راستا، در پی علاقه دفاعی که دارد، در قالب عضویت ناتو و هم‌سوشدن با غرب در مقابل روسیه در منطقه قفقاز به ایفای نقش می‌پردازد (امیراحمدیان ۱۳۸۲: ۱۱۶).

۱۱. نقش ترکیه در بحران قره‌باغ

ترکیه بازیگر منطقه‌ای دیگری است که در بحران قره‌باغ به‌دلیل مجاورت جغرافیایی و اشتراکات تاریخی، فرهنگی، و وحدتی که با آذربایجان دارد به‌عنوان بازیگر عمده در منطقه و در بحران قره‌باغ محسوب می‌شود (Aydin 2010: 10). براساس همین سیاست، ترکیه سیاستی صدارمنی را اتخاذ می‌کند و با قطع رابطه با ارمنستان، قطع عبور و مرور، و خط راه‌آهن، و ...

عکس‌العمل خود را در برابر ارمنستان و بحران قره‌باغ به‌نمایش گذاشت (Hurc 2008: 18). از آن‌جا که ترکیه خود را به‌لحاظ تاریخی در منطقه ذی‌نفع می‌داند و به نقش‌آفرینی منحصربه‌فرد خود در این منطقه معتقد است، اهداف و علایق ترکیه بر محور مسائل اقتصادی و انرژی می‌چرخد و این کشور از دیرباز برای بهره‌مندی از منابع انرژی منطقه قفقاز، اکتشافات و استخراج آن‌ها، و تعیین خطوط انتقال انرژی به خارج از منطقه تمایل بسیاری داشته است. هم‌چنین ترکیه در پی نفوذ اقتصادی در منطقه به‌منظور افزایش درآمدهای خود است و اهداف و انگیزه‌های نظامی-امنیتی و ایدئولوژیکی یا همان ترویج پان‌ترکیسم در درجات بعدی اهداف سیاست خارجی ترکیه در قفقاز است (فروزان ۱۳۸۲: ۱۵۱).

تقدم و تأخیر اهمیت اهداف ترکیه در بحران قره‌باغ تحت‌تأثیر ترکیب تصمیم‌گیران سیاست خارجی این کشور است و موقعی که ترکیه احساس خطر کند از نظر امنیتی (مثلاً زمان شدت‌گیری بحران قره‌باغ) این اهداف امنیتی در قفقاز در اولویت قرار می‌گیرند و تصمیم‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های خاصی نسبت به بحران اتخاذ می‌کنند.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی ترکیه از سیاستی غرب‌گرا و تک‌بعدی به سیاستی چندجانبه‌گرا و چندبعدی تبدیل شده که به‌دنبال امتیازگیری است. نظریه‌پرداز و معمار این رویکرد احمد داووداوغلو وزیر امور خارجه دولت اردوغان و استاد دانشگاه است که در سال ۲۰۰۱ در کتاب عمق راه‌بردی طراحی کرده بود. این کتاب، که در واقع بیانیه حزب حاکم در عرصه سیاست خارجی است، بر مبنای چند نظریه تألیف شده است:

الف. مبنای قدرت ترکیه تاریخ و جغرافیای این کشور است. به‌عبارت‌دیگر، اگر ترکیه در قرن ۲۱ قصد دارد قدرت و جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود را افزایش دهد، باید به تاریخ و جغرافیای خود به‌عنوان منبع قدرت و نقطه شروع حرکت خود نگاه کند. در واقع، نظریه عمق راه‌بردی راه‌نمای استفاده از این منابع قدرت و به‌فعیلت‌درآوردن آن‌ها در چهارچوبی منطقی است.

ب. نظریه عمق راه‌بردی بر خوداتکایی، اعتمادبه‌نفس، و خودداری از قرارگرفتن زیر چتر دیگر کشورها و رسیدن به قدرت برتر منطقه‌ای تأکید دارد.

ج. ترک‌ها از لحاظ ریشه‌های تاریخی بیش‌تر آسیایی به‌شمار می‌روند و هنوز پیوندهای زیادی با چند کشور این منطقه در آسیای مرکزی دارند و برپایه این نظریه درکنار نگاه غرب‌گرایانه‌ای که دارند به منطقه آسیا نیز توجه دارند.

د. یکی از نکات مورد توجه در نظریه عمق راهبردی به حداقل رساندن یا، به عبارت بهتر، به صفر رساندن مشکلات ترکیه با همسایگان است. به همین دلیل، ترکیه به بحران‌های محیط پیرامون به چشم فرصت (نه تهدید) می‌نگرد. بر همین مبنای، بحران‌های محیط پیرامون فرصت‌هایی هستند که دولت ترکیه می‌تواند از آن‌ها نهایت بهره‌برداری را داشته باشد (فلاح ۱۳۹۱: ۲). با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان گفت که اهداف مدنظر سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ بر مبنای امتیازگیری است.

۱۲. اهداف ترکیه در قفقاز

هرچند ترکیه با آذربایجان ارتباط نزدیکی دارد و تلاش می‌کند در حل مناقشه و برقراری طرح آتش‌بس مسکو پشت میز مذاکره حضور داشته باشد، علاقه آنکارا بیش از این که جنبه برادرانه و حس هم‌نژادی داشته باشد، دارای ماهیت سیاسی-اقتصادی است. آذربایجان برای امنیت انرژی ترکیه بسیار اهمیت دارد و در اقتصاد بیمار ترکیه به عنوان منبع اصلی انرژی محسوب می‌شود. واردات گاز ترکیه از آذربایجان، در نیمه اول سال ۲۰۲۰، ۲۳ درصد افزایش یافت. سوکار، شرکت دولتی نفت آذربایجان، به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در ترکیه تبدیل شده است. در حوزه سیاسی نیز با توجه به این که ترکیه قصد دارد به یک قدرت منطقه‌ای بانفوذ در قفقاز جنوبی تبدیل شود نیازمند حرکت از شرایط بالقوه سیاسی- نظامی به بالفعل در مناقشه قره‌باغ بوده و از این رو، خواهان مشارکت بیش‌تر در حل و فصل سیاسی آینده قره‌باغ است.

تأکید بر اهمیت نقش ترکیه در منطقه قفقاز به منظور ادغام کامل در جامعه اروپایی و غرب (کرمی ۱۳۷۸: ۱۳)، حمایت از استقلال و تمامیت ارضی آذربایجان در قره‌باغ، و کاهش نفوذ روسیه در قفقاز برای کم‌شدن فشار روس‌ها بر آذربایجان است (کولایی ۱۳۷۸: ۱۴۵). از آن‌جا که ترکیه با ارمنستان به دلیل سابقه تاریخی دشمنی دارد (دهه ۱۹۹۰ تبعید و کشتار ارمنیان مقیم آناتولی ریشه این دشمنی است)، جهت‌گیری ترکیه و سیاست‌گذارانش در کنار آذربایجان را بیش‌تر نمایان می‌کند و ترکیه در جهت رسیدن به اهداف خود و بهره‌مندی از نفت آذربایجان و کشف و استخراج آن در بحران دخالت می‌کند. شاید بتوان ادعا کرد که اختلاف ارمنستان و ترکیه مهم‌ترین عامل مؤثر در جهت‌گیری سیاست خارجی در قبال بحران قره‌باغ است و افزایش نفوذ ترکیه در آذربایجان به تدریج شرایط ژئوپلیتیکی و سلطه طولانی مدت روسیه در منطقه را تضعیف خواهد کرد که با افزایش ارتباط زمینی ترکیه و

آذربایجان و دفاع از این کشور در برابر ارمنستان با کمک به حاکمیت آذربایجان در منطقه ناگورنو-قره‌باغ روبه‌رو می‌شویم.

به‌طور کلی، در مورد نقش ترکیه در بحران قره‌باغ می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

الف. ترکیه مبنای سیاست خارجی خود را کمالیسم و عدم مداخله در امور خارجی قرار داده است.

ب. فشار نیروهای غربی من جمله ناتو برای جلوگیری از دخالت ترکیه در بحران قره‌باغ، چراکه نیروهای غربی از این امر واهمه دارند که هرگونه دخالت ترکیه در این مسئله به تشدید منازعه و قرار گرفتن روسیه و ترکیه در برابر یک‌دیگر منجر خواهد شد.

ج. از طرفی دیگر، ترکیه به دلیل ارتباطی که با فدراسیون روسیه دارد به تیره‌کردن رابطه‌اش از طریق دخالت بی‌حد و حصر در بحران قره‌باغ تمایلی ندارد (ibid.: 66).

حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان علاوه بر اشتراکات فرهنگی، زبانی، و دینی دلایل دیگری هم دارد:

۱. تلاش ترکیه برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز: جمهوری آذربایجان تنها کشور تاحدودی هم‌زبان با این کشور در منطقه است.

۲. تلاش ترکیه برای تضعیف هرچه بیش‌تر ارمنستان: ترکیه در مقابل ارمنستان با دو چالش عمده روبه‌روست: نسل‌کشی ارمنی‌ها توسط ترک‌ها در سال ۱۹۱۵ و ادعای ارضی ارمنی‌ها بر حدود یک‌سوم از خاک کشور ترکیه.

۳. دسترسی به منابع عظیم انرژی آذربایجان اعم از نفت و گاز: ترکیه برای تأمین انرژی موردنیاز خود و تحقق رؤیای دیرینه‌اش یعنی تبدیل شدن به یک هاب انرژی منطقه‌ای به این انرژی نیاز دارد. منطقه‌ی تسووز جمهوری آذربایجان محل عبور خطوط لوله نفت و گاز باکو-تفلیس-جیهان، خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم، و نیز راه آهن باکو-تفلیس-قارص است. خط لوله جنوبی قفقاز جنوبی، که با اتصال به دو خط لوله تاپ و تاناب، جمهوری آذربایجان، گرجستان، و ترکیه را به مسیر اصلی کریدور جنوبی انتقال انرژی جمهوری آذربایجان به ترکیه و اروپا تبدیل کرده است، از اهمیت بسیار بالایی برای ترکیه برخوردار است.

۴. رقابت با روسیه: در سال‌های اخیر، ترکیه با دخالت در جنگ‌های سوریه و لیبی به‌واسطه حمایت از گروه‌های تروریستی و تجاوز مستقیم به خاک سوریه به‌طور نسبی در مقابل روسیه قرار گرفته و موضوع رقابت این دو کشور در قفقاز هم مطرح است.

۵. تلاش برای ارتقای جایگاه خود در منطقه قفقاز: ترکیه به دنبال ارتقای جایگاه خود در منطقه قفقاز است. ترکیه تلاش می‌کند خود را در قدوقامت کشوری نشان دهد که نه تنها در عراق، سوریه، شرق مدیترانه، و بخشی از آفریقا، بلکه در آسیای میانه و قفقاز نیز حرف‌هایی برای گفتن دارد.

۶. ایجاد اتحاد بین نیروهای ملی‌گرا (احزاب لائیک) و دینی (احزاب اسلام‌گرا) در ترکیه: حمایت از جمهوری آذربایجان در رویارویی نظامی با ارمنستان می‌تواند الف. بخش مهمی از شکاف بین دولت اسلام‌گرای اردوغان با جریان‌های ملی‌گرا و لائیک ترکیه را برطرف نماید؛ ب. سابقه قبلی رهبران حزب عدالت و توسعه در عادی‌سازی مناسبات با ارمنستان را به فراموشی بسپارد؛ و ج. دولت ترکیه را هم‌چنان متعهد و وفادار به آرمان‌های ملی‌گرایانه آتاتورک نشان دهد. اگر یک نگاه کلی به دوران قدرت حزب عدالت و توسعه در ترکیه ببندیم، این موضوع تقریباً تنها موضع در سیاست خارجی این کشور است که تمامی طیف‌ها در آن اتفاق نظر دارند و از آن حمایت می‌کنند. با یک جست‌وجوی ساده در سایت‌های ترک، آذری، و انگلیسی‌زبان می‌توان دید که تعداد موضع‌گیری‌ها، سخن‌رانی‌ها، توییت‌ها، و خبرهای مربوط به بیان دیدگاه مقامات و سیاست‌مداران ترکیه در مورد ارمنستان و قره‌باغ به مراتب بیش‌تر از تعداد مواضع مسئولان خود جمهوری آذربایجان است (www.isna 1399: 2).

۱۳. نتیجه‌گیری

ترکیه یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای است که همواره نقش قابل‌توجهی در معادلات قفقاز جنوبی داشته است. تشدید اختلافات سرزمینی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در اوایل دهه ۱۹۹۰ از جمله تحولات مهم منطقه‌ای بود که آنکارا را بیش‌ازپیش به مسائل قفقاز علاقه‌مند کرده است و همان‌طور که بیان شد، در سیاست خارجی برای تصمیم‌گیری عقلایی و منطقی ابتدا به شناسایی مسئله پرداخته می‌شود و سپس، بعد از تعریف و تعیین هدف‌های سیاست خارجی، سیاست‌گذاران به تصمیم‌گیری و ارائه راه‌حل و اجرای تصمیم می‌پردازند که اگر این مفهوم را در مورد تأثیر تصمیم‌گذاران سیاست خارجی ترکیه و ناتو در مورد بحران قره‌باغ و به‌منظور پاسخ به سؤال اصلی مقاله که غرب در قالب ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ به‌کار گیریم، به این مهم می‌رسیم که بعد از پایان یافتن جنگ سرد بسیاری از هویت‌های قومی - محلی در منطقه قفقاز رشد کردند و

باعث شکل‌گیری منازعاتی در این منطقه شدند. پس سیاست‌گذاران ناتو و ترکیه برای رسیدن به اهداف خود و با ارزیابی اهداف و منافع خود و با موضع یک‌سان (مقابل با نفوذ روسیه) در این منازعه جهت‌گیری کرده‌اند.

پایان‌یافتن رقابت ایدئولوژیک، اهمیت ژئوپلیتیک، و تأثیر عوامل جغرافیایی در سیاست بیش‌تر شد و ترکیه در آسیای مرکزی - قفقاز نقش فعال دارد و با شورش‌ها و بحران‌های این منطقه روبه‌رو می‌شود و تلاش می‌کند برای برخورد با بحران‌ها از قدرت و چانه‌زنی غرب بهره‌گیرد. بر همین مبنا، برای بیان تعامل ناتو و ترکیه می‌توان گفت که این دو قدرت با هم‌پوشانی منافع خود در جهت ممانعت از تسلط مجدد روسیه بر منطقه، جلوگیری از نفوذ روسیه در منطقه، و برعهده‌گرفتن مدیریت مسائل منطقه، گسترش دموکراسی، دستیابی به انرژی منطقه، و تسلط بر انتقال آن را به‌طور مشترک دنبال می‌کنند.

از آن‌جاکه ترکیه از امتیازاتی چون قربت قومی - فرهنگی برخوردار است و غرب و ناتو به‌دنبال گسترش الگوی دموکراسی ترکیه در منطقه قفقاز هستند، هم‌جهت و هم‌سو در بحران قره‌باغ مداخله و جهت‌گیری مقابل روسیه را اتخاذ می‌کند. در این راستا، برای این‌که بتواند حضور بلندمدت خود را در منطقه تثبیت کند، بر مبنای دیپلماسی ارزشی ترکیه در منطقه و بحران‌ها دخالت می‌کند؛ یعنی در جهت اهداف خود و حفظ موقعیت کشور خود.

از جهتی، ترکیه، که نیاز به تعهدات نظامی در برابر روسیه و سیاست‌های آن در منطقه داشت، به‌عنوان عضو ناتو در مقابل روسیه در منطقه موضع‌گیری می‌کرد که در بحران قره‌باغ می‌بینیم در جهت مخالف روسیه و در جهت اهداف خود طرف‌آذربایجان را می‌گیرد.

هم‌چنین، ترکیه نیز در پی نفوذ اقتصادی در منطقه به‌منظور افزایش درآمدهای خود است و اهداف و انگیزه‌های نظامی - امنیتی و ایدئولوژیکی یا همان ترویج پان‌ترکیسم در درجات بعدی اهداف سیاست خارجی ترکیه در قفقاز است. به‌طور کلی، با این‌که منازعه قره‌باغ بی‌ثباتی در منطقه به‌وجود آورده، با این‌حال، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه قفقاز موجب باقی‌ماندن منازعه و بحران به‌شکل لاینحل شده است.

آذربایجان موردحمایت ترکیه و غرب و ارمنستان موردحمایت روسیه است که تلاش هر دو طرف افزایش درک تهدید از طرف دیگری است که موجب می‌شود راه‌کار صلحی ارائه نشود. می‌توان گفت همان‌طور که ریشه این بحران به درک تهدید استالین از هویت مشترک قومیت‌ها و جداکردن این ملیت‌ها و هم‌چنین جبهه‌گیری ترکیه در مقابل ارمنی‌ها و درک تهدیدی که از یک‌دیگر داشتند و زمینه‌های این بحران برمی‌گردد، هم‌اکنون نیز با

تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران خارجی و درکی که از منافع خود و موردتهدید قرارگرفتن آن‌ها در منطقه قفقاز دارند تداوم بحران را مشاهده می‌کنیم.

با موضع‌گیری‌های اخیر مقامات ترکیه حمایت این کشور از جمهوری آذربایجان بر کسی پوشیده نیست، اما آنچه روشن است ترکیه در بالاگرفتن تنش اخیر میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان نقش کلیدی داشته و درحقیقت، با دخالت‌های این کشور بوده که بحران قره‌باغ دوباره بالا گرفته است. موضوع مناقشه ارمنستان و آذربایجان برسر قره‌باغ موضوعی است که برافروختن آتش این خاکستر کهنه از سوی هر طرف که صورت گرفته باشد به نفع هیچ‌یک از کشورهای منطقه نخواهد بود. ترکیه به دنبال تقویت و حفاظت از کریدور شرقی - غربی انرژی درمقابل کریدور شمال - جنوب است. علاوه بر آن، ترکیه در فروش تسلیحات و اجاره‌دادن مزدور برخی اهداف اقتصادی را هم دنبال می‌کند. ترکیه می‌خواهد خودش را به‌عنوان ناجی آذربایجان معرفی کند تا در آینده نقش بیش‌تری در این کشور داشته باشد.

کتاب‌نامه

- امیری، مهدی (۱۳۸۳)، «نگاه ویژه ناتو به آسیای مرکزی و قفقاز و نگرانی‌های روسیه»، فصل‌نامه گزیده تحولات جهان، ش ۲۷.
- ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
- اطباری، امیرحسین (۱۳۸۴)، «مأموریت‌های نوین ناتو در آفریقا؛ گزیده تحولات جهان»، فصل‌نامه ابرار معاصر، ش ۲۳.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸)، «روند تحولات در بحران قره‌باغ»، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۸.
- برجر، مایکل و جانانان ویلکنفلد (۱۳۸۲)، بحران، تعارض، و بی‌ثباتی، ترجمه علی صبحدل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، کاوه (۱۳۷۱)، «درگیری‌های مرزی آذربایجان و ارمنستان»، مجله نگاه نو، ش ۱۱.
- تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر ابعاد و سطوح مداخله در بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ»، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۹.

- چوبین، بهرام، جerald گرین، و ایان لسر (۱۳۸۱)، «جامعه و سیاست خارجی ترکیه در دوران پراشوب»، ترجمه رحمان قهرمان پور، فصل نامه مطالعات خاورمیانه، س ۹، ش ۴.
- خیری، مصطفی (۱۳۹۷)، «روسیه و مناقشه قره‌باغ»، فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۱۰۲.
- رحمانی، منصور (۱۳۷۷)، «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و تحولات آن بعد از جنگ سرد»، فصل نامه سیاست خارجی، ویژه اروپا، ش ۲، س ۱۳.
- زهرانی، مصطفی و تیمور فرجی لوحه‌سرا (۱۳۹۲)، «منابع بین‌المللی تداوم بحران قره‌باغ»، فصل نامه علمی آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۹، ش ۱۸۳.
- زارعی، قاسم (۱۳۸۵)، «کندوکاوی در انقلاب‌های رنگین»، فصل نامه راه‌برد یاس، ش ۶.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۸)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی شده: مناسبات و کارآمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۶)، «رویکرد روسیه پوتین در قبال گسترش ناتو به شرق»، فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۴، س ۱۶.
- عسکری، حسن (۱۳۸۴)، «نقش بازیگران خارجی در انقلاب‌های رنگین؛ مورد انقلاب در گرجستان»، فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۵۱.
- عباس‌اف، علی و هارویتون چاخاطریان (۱۳۸۳)، مناقشه قره‌باغ: آرمان‌ها و واقعیت‌ها، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: ابرار معاصر.
- عطایی، فرهاد (۱۳۷۸)، «نگرش جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه»، فصل نامه مطالعات خاورمیانه، س ۶، ش ۱۹.
- غفاری، امید، امیدعلی ویسی‌نژاد، و محمد تقی‌پور (۱۳۹۱)، «مناقشه قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه امنیت پژوهی، ش ۱۱.
- فلاحی، علی (۱۳۸۵)، «مفهوم نوین استراتژیک و مأموریت‌های ناتو در قرن بیست‌ویکم»، مجله سیاست خارجی، ش ۷۵.
- فرنر، اسکات (۱۳۷۹)، «منافع استراتژیک ترکیه در قفقاز جنوبی»، ترجمه سیدسعادت حسینی زمانی، مجله سیاست دفاعی، ش ۲۹-۳۰.
- فروزان، ایرج (۱۳۸۲)، «بررسی و تبیین اهداف توسعه همکاری ایران با کشورهای قفقاز جنوبی»، فصل نامه مطالعاتی دفاعی استراتژیک، ش ۱۷.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، «اهداف و چالش‌های راه‌بردی ترکیه در تحولات سوریه»، بصیرت، بازیابی در: <<http://www.khabaryaab.com/News/630050>>.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.

بررسی تعامل سازمان ناتو و ترکیه ... (قاسم رضایی و خدیجه ثنائیانزاده) ۷۱

- کرمی، تقی (۱۳۷۴)، «عوامل منطقه‌ای تطویل کشمکش بین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان»، فصل‌نامه خاورمیانه، ش ۵.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۷۸)، «بازی بزرگ جدید در قفقاز و پی‌آمدهای آن بر آینده ایران»، مجله سیاست دفاعی، س ۸، ش ۱۲.
- کولایی، الهه (۱۳۷۸)، «ایران، ارمنستان، و روسیه: عوامل توسعه روابط»، فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۶.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۶۶)، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- کاظمی، محمود (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران: ابرار معاصر.
- مرادی، منوچهر (۱۳۸۵)، چشم‌انداز همکاری ایران و اروپا در تأمین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی: حدود و امکانات، تهران: وزارت امور خارجه.
- واعظی، محمود (۱۳۸۲)، «مناقشه قره‌باغ میراثی از چالش‌های قومی شوروی»، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۲، ش ۴۲.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه.
- هاشمی، غلامرضا (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هالستی، کالوی یاکو (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: وزارت امور خارجه.

Axundov, F. (2008), "Co_Chaarrs Against Azerbaijan, The UN General Assembly Against Co_Chairs", *Regionplus*, no. 7.

Aydin, M. (2010), "Turkeys Caacasuspdicy", Turkish Foreign Policy, *UNISCI Discussion Papers*, no. 23.

Anderson C. R. (1988), *Management: Skills, Functions, and Organizational Performance*, Allyn & Bacon. Inc, 2nd ed.

Hurc, Y. (2008), *The Karabag Policy of Turkey, Turkish Dress of the Time*, Department of History Institute of Social Science, Univesity of Kahramanmaras Sutsu Imam. Available at: <<https://www.isna.ir/news/99072317187/%D8%AD%D9%85%D8%A7%DB%8C%D8%AA>>.

